

بسمه تعالی

مشاوره دکتر غفرانی

جلسه هفتم:

(شیوه های راهنمایی)

طبق **اصل اول** ، یعنی اختیار انسان، وراثت اجباری در زندگی انسان ندارد

(آیات ۸۰ و ۸۱ کهف)

وَأَمَّا الْعُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا و اما نوجوان پدر و مادرش [هر دو]
أَن يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا (۸۰) مؤمن بودند پس ترسیدیم [مبادا] آن دو
را به طغیان و کفر بکشد (۸۰)
فَأَرَدْنَا أَن يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً پس خواستیم که پروردگارشان آن دو
وَأَقْرَبَ رَحْمًا (۸۱) را به پاکتر و مهربانتر از او عوض
دهد (۸۱)

و محیط هم هیچ اجباری در زندگی انسان ندارد.

اصل دوم زندگی، باور اینکه خدا هر لحظه مرا امتحان می کند(فتنه سالی دوبار
است ولی ابتلاء دائمی است.) پس تمامی افراد و اشیاء و حالات و حوادث
بهانه هایی برای روشن شدن بهشت و جهنم انسان هستند.

نمونه ای از ایمان مثبت:

پس هیچ چیز از علم خدا پنهان نیست. لازمه هدایت این است که باور کنی هر
لحظه در حال امتحانی.

یک نمونه ایمان غلط:

(بقره ۹۳)

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ وَ أَنْتِنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا وَ [کوه] طور را بر فراز شما سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمْ بُرَافْرَاشْتُمْ [و گفتیم] آنچه را به شما الْعَجَلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِنُصْرَتِي بِداده‌ایم به جد و جهد بگیری و [به] إِيْمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ (۹۳)

شنیدیم و نافرمانی کردیم و بر اثر
کفرشان [مهر] گوساله در دلشان
سرشته شد بگو اگر مؤمنید [بدانید که]
ایمانتان شما را به بد چیزی وامی‌دارد
(۹۳)

گفتند ما شنیدیم و نافرمانی کردیم آنها گوساله نوشیدند- بگو چقدر ایمان شما به شما فرمان می‌دهد. بگو اگر مومنین بدانید که ایمانتان شما را به چیزی وامی‌دارد؟ (یا مرکم به ایمانکم..)

طبق **اصل سوم**، کارنامه و سرنوشت هر فردی فقط تابع نیت، گفتار، رفتار، اخلاق خود او است. پس انسان عاقل فقط و فقط باید دائماً مراقب خودش باشد.

اصل چهارم: یعنی خدا روزگار، همسر و مردم هرگز به انسان ظلم نمی‌کنند (به نور، نعمت، رحمت، لطف، محبت، علم، معرفت، تجربه، حق پشت کنید به خود ظلم می‌کنید.)

وَوَضَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَبَرَّ شِمَاءَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ يَبْكُ إِلَى الْوُجُوهِ
وَالسَّلَوَى كُلُّوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ شِمَاءَ الْغَائِبِينَ وَبَلَدْرَجِينَ فَرُو
وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ فرستادیم [و گفتیم] از خوراکیهای
(۵۷) پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم

بخورید و [لی آنان] بر ما ستم نکردند
بلکه بر خویشان ستم روا می‌داشتند
(۵۷)

غم‌گین شدید (غمام یعنی ابر) ابری بر شما سایه افکندیم اما آنها به خودشان
ظلم کردند.

سوره یونس آیه ۴۴:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند
لیکن مردم خود بر خویشان ستم
(۴۴) می‌کنند (۴۴)

مردم خودشان به خودشان ظلم می‌کنند.

اصل پنجم زندگی:

عقل تنها وجه مشترک میان مردم است که منطقی بودن یا نبودن، همین ادعا را
تشخیص می‌دهد.

اصل ششم:

هر انسانی باید در شرایط مختلف زندگی باید تعادل خودش را حفظ کند تا نسوزد.

حوادث رحمت هستند و چون برای خود می دیدند نعمت است.

هضم رحمت است ولی نعمت نیست برای منافقین جهنم بشارت است زیرا برای آنها نعمت است.

اگر حوادث را بفهمید برای شماست نعمت می شود. حوادث منفی نیست. همیشه مثبت است.

خوف : روان ما

جوع: شکم ما

نقص: وجه بیرونی ما که اهتباری

مصیبت: رخداد-حادثه- رویداد چه اجتماعی چه سیاسی

انسان عاقل و مؤمن شکست را فقط در غفلت و قصور و تقصیر از تکالیف عقلی و شرعی و پیروزی را فقط در انجام عاشقانه تکالیف عقلی و شرعی و بندگی خالق خود می داند. او کسی است که خدا را وکیل خود بداند و به نتیجه رسیدن از خوف درونی و حزن بیرونی.

اللهم عجل لوليک الفرج

اللهم عجل لوليک الفرج